





سرشناسه: ادبی، محمدجواد، ۱۳۳۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر شیطان‌پرستی / نویسنده محمدجواد ادبی.
 مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.
 فروست: رهنما؛ ۵۷.
 شابک: 978-600-6543-55-0
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه .
 موضوع: شیطان‌پرستی
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 رده بندی کنگره: BL۱۳۹۱۴۸۰۴۴الف/
 رده بندی دیویی: ۴۳۳/۱۳۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۸۹۶۸



۵۷ → درآمدی بر شیطان‌پرستی

نویسنده: دکتر محمدجواد ادبی
 آستان قدس رضوی
 چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
 تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
 ویراستار: محمدمه‌دی باقری
 طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی
 طراح جلد: علی بیات





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



درآمدی بر شیطان پرستی

چهار پرسش زیر را در این نوشتار پاسخ می گیرید:

؟ چرا آیین های معنویت گرای بدون خدا و مبتنی بر ارضای امیال، امروزه، طرفدار پیدا

کرده است؟

؟ تاریخچه شکل گیری شیطان پرستی چیست و مؤسس این فرقه کیست؟

؟ نمادهای فراگیرشده و آموزه های نامتعارف و خطرناک شیطان گرایان کدام است؟

؟ چه راهکارهایی برای ایمن شدن در برابر این فرق و آیین های دروغین وجود دارد؟



درآمد

۷

درآمدی بر شیطان پرستی

برخیز تا یکسو نهیم این دلق آزر قفام را
هر ساعت از نو قبله‌ای بابت پرستی می‌رسد
بر باد قلاشی دهیم این شرک تقوی نام را
توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را

خداشناسی از دو طریق برای انسان حاصل می‌شود: یکی شناخت حضوری که بدون واسطه مفاهیم ذهنی و عقلی تحقق می‌یابد و دیگری، شناخت کلی که با مفاهیم عقلی حاصل می‌آید و به آن، معرفت حصولی می‌گویند.

انسان، از زمانی که به دنیا می‌آید، خداشناسی فطری دارد که ناظر به شناخت حضوری است؛ زیرا بدون آنکه کسی به او تعلیم داده باشد، درکی از وجود و حضور خدا به همراه دارد. همین درک از وجود خداوند، زمینه‌ای می‌شود تا انسان به دین‌داری رو کند؛ چرا که خداوند از طریق انبیا، خود را به تمامه در دین متجلی ساخته است. آنچه



پیامبران در طول تاریخ بشر در قالب شناخت خداوند بیان کرده‌اند، نام دین به خود گرفته است. در قرآن، واژه دین بیش از نود بار به معانی مختلف آمده است: جزا و پاداش،^۱ اطاعت و بندگی،^۲ ملک و اقتدار حاکمیت،^۳ شریعت و قانونمندی،^۴ اعتقادات^۵ و... همه این معانی از دین، به محوری اصلی به نام توحید وابسته‌اند؛ یعنی پذیرش یگانگی مطلق خداوند در کمال، قیومیت، قدرت، علم، خیر، سرمدیت و بسیاری صفات دیگر. البته مراتب توحید، در تقسیم‌بندی توحید به ذاتی و صفاتی و افعالی، بحث درازدامنی است که مجال دیگری می‌طلبد. می‌توان گفت، خداشناسی توحیدی و نیاز به دینی براساس آن، در ساختار زندگی فردی و اجتماعی انسان همیشگی بوده است و خواهد بود؛ اما با این اوصاف، انتظارات بشر از دین در

۱. فاتحه، ۳؛ ذاریات، ۶۵.

۲. زمر، ۱۱.

۳. بقره، ۱۹۳؛ انفال، ۳۹.

۴. کافرون، ۶.

۵. بقره، ۲۵۶.



همهٔ زمان‌ها، مثل این شناخت همگانی، به یک صورت نبوده است؛ زیرا علت نیاز بشر به دین و حیطة دخالت دین در قلمروهای مختلف و آثار سازندهٔ دین در عرصه‌های گوناگون، با توجه به گسترهٔ زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انسان، در هر زمانی به گونه‌های مختلفی تفسیر و تبیین شده است.

در زمانهٔ زندگی ما، این گستره به‌نحو بسیار متفاوتی از گذشته، خود را نشان داده است؛ از این‌رو در قرون اخیر، نهضت‌هایی سر بر آورده‌اند که نه تنها ندای اصلاحات در دین، بلکه بالاتر از آن، تغییر در مبانی دینی را در تطبیق با نیازهای بشری مطرح کرده‌اند. اینکه اصلاحات دینی در عمل تابع چه اصولی است و چه معنایی دارد، مقصود این نوشتار کوتاه نیست؛ اما آنچه در این متن عمومی بیشتر امکان رصد دارد، آن است که جنبش‌های نوپدید دینی یا ادیان سکولار یا عرفان‌های وارداتی شبه‌دینی، دین به معنای الهی و کلاسیک را به‌طور کلی قبول ندارند و طرحی نو در معنویت‌گراییِ امروز بشر، آن‌هم بدون حضور جدی خداوند، در سر می‌پرورانند.



این طرح، درحقیقت، معنا منهای معنا است و خداوند را نه قدرت مطلق و موجودی کامل، بلکه قدرتی کمی برتر از دیگر قدرت‌ها و موجودی می‌داند که در مُلک خویش به شریک‌هایی برای همکاری و همیاری دل‌بسته است.

چرا در جهان امروز، این پدیده‌ها با هویت مستقل، خود را عرضه می‌کنند و میان زندگی مؤمنانه در دوران سنتی و رابطه میان انسان و خدا در جهان پسامدرن، چگونه ادیان سکولار خود را تحمیل می‌کنند؟ پاسخ شاید «فقر وجودی فردی» انسان‌ها و جدایی آنان از آموزه‌های پیامبران و فاصله‌گرفتنشان از ایمان خالص و ناب باشد. آدمی در دورانی که سیطرهٔ کمیت و قدرت مجازیِ تکنولوژی حاکم است، خویش را در میانخدایان و خدایگان جدید می‌یابد و اگر اعتقادات دینی پایا و باور عمیق به پیامبران الهی نداشته باشد، بین خدا و بی‌خدایی، دین و بی‌دینی و نیز ایمان و بی‌ایمانی، راه را گم می‌کند و آنچه در عرفان‌های جدید می‌یابد، کافی حقیقت می‌پندارد؛ درحالی که نمی‌تواند همیشه به آن چنگ زند؛ زیرا پس از مدتی، می‌فهمد



که آن حقیقت، کافی نبوده و نیست.^۱

در این میان، البته مباحث نظری، جوانب معرفت‌شناسانه، تحلیل‌های آسیب‌شناسانه، تعمق‌های روان‌شناسانه و حتی مطالعات مصداقی جدی وجود دارد که رهیافت عرفانی را نیز باید به همه آن‌ها افزود؛ چراکه این جنبش‌ها خود را به سیروس‌سلوکِ درونی وابسته می‌دانند و عرفان را نه برپایه مجاهدت با نفس و تعبد در برابر پروردگار، بلکه در سرسپردگی تام و تمام به مرشدان بی‌خدا و معلمان بی‌تقوا معنا می‌کنند؛ تا آنجا که بسیاری از رهبران اصلی این جنبش‌ها به مرحله خدایی هم می‌رسند!^۲

به هر جهت، امروزه در سطح جهان، ردّ معنویت‌های سلف‌سرویزی که تلاش می‌کنند

1. Johan D. caputo, on religion, routledge, 2001, p.132

۲. نک: مجله سراب، ویژه‌نامه فرقه‌های منحرف نوپدید، ضمیمه رایگان روزنامه جام‌جم: محمدجواد ادبی، مقاله «هر ساعت از نو قبله‌ای، با بُت پرستی می‌رسد.»، ص ۸۷، مرداد ۱۳۸۸.





بودیزم، تائوئیسم و...) همراه با جذابیت‌های جدید به ذهن و زبان جوانان تحمیل کنند، از سویی و از سوی دیگر گرایش‌های خودکامه‌ستیز برخی جوانان در سطح دنیا و گریز آنان از دین، گرایش به این معنویت‌های مجازی را افزون کرده است. در این میانه، ناآگاهی خانواده‌ها و نهادهای رسمی تربیتی و گاهی حتی دولتی، زمینه را برای سوپرمارکت‌های معنوی که پُر هستند از کالاهای درجه‌چندمِ معنایی، مهیا می‌سازد.

نوشتار پیش‌رو در تلاش است تا در حد شناخت اولیه برخی از این انحرافات، به یکی از رایج‌ترین آن‌ها، یعنی شیطان‌پرستی، بپردازد تا با شناخت برنامه‌های دشمن و نقد آن، آگاهی عمومی به این قبیل انحرافات دینی، در جامعه بیشتر شود.



شیطان پرستی (Satanism)؛ کلیسای شیطان (Curch of satan)

مؤسس: آنتوان لوی^۱

سال تأسیس: ۱۹۶۶؛ کالیفرنیا

متون به اصطلاح مقدس: کتاب مقدس شیطانی (۱۹۶۹)؛ جادوی شیطانی (۱۹۷۰)؛

مناسک شیطانی (۱۹۷۲)

آنتوان لوی در ۱۱ آوریل ۱۹۳۰، در شیکاگوی آمریکا متولد شد و همراه خانواده‌اش به سانفرانسیسکو عزیمت کرد و تا زمان مرگش در آنجا ساکن بود. وی شخصیتی ناهنجار و ناسازگار داشت و در هفده سالگی، ضمن فرار از تحصیل، به عنوان دلقک به سیرک پیوست. در سال ۱۹۵۰ در دایره جنایی پلیس آمریکا، به عنوان عکاس مشغول به کار شد و تأثیر بسیاری

1. Anton lavey



از این شغل گرفت.

دو سال بعد، آنتوان با کارول لنسیگ ازدواج کرد؛ اما بنابه دلایلی، از جمله التزامداشتن به اصول اولیه اخلاقی و پایبندی به روابط خانوادگی و شیفتگی به زن دیگری به نام داین هگارتی، از همسر اولش جدا شد. لوی از سال ۱۹۶۰ به بعد روابط نامشروعی را با هگارتی آغاز کرد و از او صاحب فرزندی نامشروع شد. وی همچنین علاقه وافری به نوازندگی پیانو داشت و طبق اطلاعات موجود، سال‌ها روابط جدی و پُردامنه‌ای با برخی عناصر سازمان CIA، همچون مایکل آکینو، برقرار کرد.

پایه گذاری

این فرد مرتبط با سازمان جاسوسی امریکا، در ۳۰ آوریل ۱۹۶۶، در حالی که برای جمعی از اعضای حلقه‌های سری دایره اسرارآمیز با سری تراشیده سخن می گفت، مدعی بنیان گذاری کلیسای شیطان شد. لوی که خود را اسقف اعظم کلیسای شیطان می دانست، اعلام کرد که با ظهور شیطان پرستی مدرن، عصر جدیدی به وجود آمده است. توضیح این نکته لازم است که شیطان پرستی اصولاً واکنشی در برابر مسیحیت بود که به عنوان واقعه‌ای تاریخی، از اواخر قرون وسطا شکل گرفته بود. این پدیده به جادوگران نسبت داده می شد و هزل کفرآمیزی از تمسخر مسیحیت و مراسم عشای ربانی، همراه با شمع‌های سیاه و پیکره‌های وارونه مسیح بر صلیب بود که در آن، نان مقدس به نجاست آلوده می شد و روابط جنسی افراطی و گاهی قربانی کردن حیوانات و حتی انسان‌ها در آن انجام می پذیرفت.

آنتوان لوی فلسفه لذت پرستانه خود را با آسان گیری و عمل مطابق با مظاهر



شیطانی درآمیخت و مستقیماً به جنگ با پیامبران پرداخت. او معتقد بود که تعالیم انبیا، احکام نامتعارف بشری هستند: انسان حیوانی است که خواسته‌ها و آرزوهای فراوان دارد و برای به‌دست‌آوردن آرزوهای خویش، حق انجام‌دادنِ هر عملی را دارد. البته گرایش لوی بیشتر به‌دست‌آوردن قدرت‌های شیطانی بود و بعدها، پس از او و در کنار این گرایش، پرستش افراطی شیطان نیز مدنظر قرار گرفت.^۱

1. David gibbons, faith and religions of the world worth press (2007), P.56



آموزه‌ها

شیطان پرستان، شیطان را سمبل لذت جویی می‌دانند، نه ریاضت‌کشی. درعین حال، آنان گناه و مبارزه با هنجارهای جامعه را به معنای شادابی می‌دانند و هیچ قانونی را به عنوان شریعت نمی‌پذیرد. ایستادن در برابر تعالیم پیامبر و حیانی، حضرت عیسی علیه السلام، اولین مرحله شیطان‌گرایی است و پس از آن و به طریق اولی، ایستادن در برابر تمامی پیامبران، از آن ناشی می‌شود؛ چرا که شیطان پرستان تمامی آنچه گناه نام دارد، مایه خرسندی و مسرت روانی و فکری و عاطفی می‌دانند.

شیطان‌گرایان تمرد شیطان را در برابر حق تعالی، نماد حکمت سالمی می‌دانند که در آن، ریاکاری وجود ندارد. از نظر شیطان پرستان، هبوط و نافرمانی از فرامین الهی به هیچ وجه نادرست نیست: آنان معتقدند شیطان دوست کلیساست، زیرا در طول این سال‌ها مایه گرمی بازار کلیسا شده است.

از دیگر آموزه‌های شیطان پرستان، جانشینی شیطان به جای خداوند و قائل شدن شأن الوهی



برای شیطان است: شیطان شریک بزرگ خداوند است که کم کم عرصه را بر خداوند نیز تنگ می کند و همه الوهیت را از آن خود می سازد. مبرهن است که وقتی جایگاه الاهی خدشه دار شد، تاریخ انبیا و پیام بزرگ پیامبران در مسیر توحید و اخلاق و حمایت از حقیقت طلبی، رنگ خواهد باخت. به همین دلیل است که در متن بسیاری از اشعاری که شیطان پرستان می خوانند، پوچ گرایی همراه با سخره گرفتن تمام مقدسات به چشم می خورد.

شیطان پرستان خداوند را دلیل همه ناکامی های بشر می دانند و رنج زندگی را ناشی از خواست خدا می پندارند. برای این گروه منحرف، هیچ شریعت و قانونی جز آنچه خود می خواهند انجام دهند، مبنای عمل نیست. آنتوان لوی معتقد بود که محل زندگی هر شیطان باید تبدیل به غاری محلی شود که شیطان پرست، در آنجا به پرورش فردگرایی خود بپردازد؛ تا جایی که این فردگرایی در برابر خداگرایی قرار گیرد.

تعداد افرادی که به این فرقه انحرافی در جهان گرایش دارند، بنابه آمار سال ۲۰۰۷، حدود

سی هزار نفر تخمین زده شده است که در برابر جمعیت جهان به هیچ وجه رقم شایان توجهی نیست.^۱ این را هم باید افزود که حیات شیطان پرستی در جهان مدرن، مدیون ادبیات و سینمای عامیانه و تا حدی نیز مدیون محکومیت‌های گاه‌گاه کلیساست که با تبلیغات فراوان این گروه در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، منعکس می‌شود؛ اما تعداد آن‌ها چندان زیاد نیست.

1. Ibid. p20



نمادها و مناسک

برخی از نمادهای منحوس این فرقه، بدین قرارند: استفاده از ماسک‌های خاص با شکل‌های ناموزون، استفاده از رنگ‌های سیاه و قرمز بسیار غلیظ و نامتعارف، بهره‌گیری از تصویر بی‌پوشش زن، استفاده از عدد ۶۶۶ (ارزش عددی واژه شیطان در ادبیات عبری صهیونیستی) به عنوان عدد مقدس، صلیب وارونه که نوعی تمسخر مسیحیت به شمار می‌رود، صلیب شکسته یا چرخ خورشید که هیتلر هم به کار می‌گرفت با هدف به‌سخره‌گرفتن مصلوب‌شدن حضرت عیسی، علامت چشم شیطان که به صورت چشمی در بالای هرم می‌آید. درعین حال، از نمادهای مهم شیطان پرستان که بیشتر به صورت گردنبند استفاده می‌شود، پنتاگرام^۱ است که به صورت ستاره‌ای پنج‌ضلعی ظاهر شده است. نماد دیگر نیز سیگیل بافومت (مثلث سروته در یک دایره، با سر بزرگ در وسط) است که اغلب، روی

1. Pentagram



لباس‌ها حک می‌شود. اصلی‌ترین نماد شیطان‌پرستی بز شاخدارِ بالدارِ نر و ماده است که روی پیشانی خود، ستارهٔ پنج‌پر را حک کرده و با یک ماه در بالای سر و یک ماه در پایین پایش، تلاش می‌کند وسوسهٔ سیاه و پلید خود را در کائنات به جریان اندازد. بالداربودن این نماد، حکایت از آن دارد که شیطان پیش از رانده‌شدن از درگاه خداوند، ملکِ مقرب بوده است و درعین حال، سُمی که به پای اوست، جن‌بودن تبار شیطان را نشان می‌دهد. نر و ماده‌بودن شیطان نیز نشان از آن دارد که هم در جنس مردان قرار می‌گیرد و هم در جنس زنان و به این دلیل، وسوسه‌انگیز است. در همین نمادها، کاملاً مشهود است که شیطان‌پرستی در پی انتقادجویی از توحید و موحدان روزگار است

شیطان‌پرستان برای آنکه به سرمستی جسمانی و لذات و هم‌انگیز برسند، از مناسک مخاطره‌آمیزی استفاده می‌کنند که به قربانی کردن حیوانات و گاهی حتی انسان‌ها و آشامیدن خون آن‌ها منجر می‌شود. آنان خون‌آشامی روانی را سرلوحهٔ رفتارهای خویش قرار می‌دهد.



شیطان پرستان به مناسک منهدم کننده نیز معتقدند؛ یعنی می گویند برای رهایی از نفرت و عصبانیت، باید تا سرحدّ امکان در کارهای زشت و پلید پیش رفت تا ارضای هوس ها به صورت کامل انجام پذیرد.

به طور کلی، مشخص است که همه نظام های عقیدتی با چنین نگرش خطرناک و نابسامانی مخالفت جدی دارند؛ اما درون همین فرقه نیز اختلاف هایی رخ داده که موجودیت آن را به مخاطره انداخته است: مرگ آنتوان لوی در سال ۱۹۹۷ و فروش خانه سیاه، یعنی خانه ای که لوی در آن زندگی می کرد، به دلیل بدهکاری های زیادِ کلیسای شیطان و نیز مسئله جانشینی بلانچه برتون^۱ به جای او که بسیاری از شیطان پرستان آن را قبول ندارند، از جمله این اختلافات است.

1. Blanche barton





نکات و نقد کلی آموزه‌ها

قرآن عزیز می‌فرماید: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (= ای فرزندان آدم، آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید؛ زیرا دشمن آشکار شماست؟ و مرا بپرستید که راه راست این است).^۱

شیطان آدمی را از مسیر هدایت و رستگاری جدا می‌کند و هر عقل سلیمی به تحقیق می‌فهمد که گمراهی آشکار در پیروی از وساوس شیطانی است. در کارگاه هستی، به سبب اختیار آدمی، او باید با آگاهی خود، خویش را از چنبرهٔ اغواهای شیطان رهایی دهد و در مسیر مبارزه با او، مس وجود خود را به کیمیا تبدیل سازد: مقام «یقظه» یعنی یقین هوشیارانه به نعمت بیداری، وقتی برای آدمی حاصل می‌شود که نفس اماره را به زمین بزند و بر آن چیره شود. پُر واضح است که ایمان به غیب و تعبد در درگاه الهی است که



سلامت نفس و روان آدمی را موجب می‌شود و پایداری در مسیر سعادت را برای انسان رقم می‌زند. زیستن عارفانه همراه با پناه‌بردن به خداوند از شرّ شیطانِ رانده‌شده، زندگی را رهین آرامش می‌کند.

حال، به نقد تعالیم و آموزه‌های شیطان پرستان می‌پردازیم:

۱. اینکه شیطان پرستان در مسیر آموزه‌های نادرست خود، می‌کوشند پرچم الهی را فرو بیندازند، همان وسوسه‌ای است که قرآن آن را بارها گوشزد کرده است: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (= می‌خواهند نور الاهی را با سخنان خویش خاموش کنند؛ حال آنکه خداوند کمال بخش نور خویش است؛ ولو آنکه کافران ناخوش داشته باشند).^۱ از همین رو، اینان که در سطح جهان به لحاظ تعداد، بسیار کم‌مایه‌اند، چونان پَرِ کاهی در مصاف تندباد از میان برداشته خواهند شد. البته، وسوسه و خُدعهٔ آنان را باید جدی گرفت؛ زیرا عزم آنان در



باطل خویش، بسیار جزم و قوی است.

۲. قرآن به این امر تصریح می‌کند که شیطان از جنیان بود: ﴿فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ﴾^۱ البته بسیاری از مفسران بیان کرده‌اند که ابلیس به جهت بسیاری عبادت، در زمره فرشتگان به حساب می‌آمد و ملائکه خیال می‌کردند که او از خود ایشان است. خطاب هم که شد، گویی ابلیس به همین دلیل مشمول این خطاب بود و خودش هم می‌دانست به لحاظ ماهیت، جزو فرشتگان محسوب نمی‌شود.^۲ اما این امر اثبات نمی‌کند که پس از هبوط، همان امکانات و اقتدار را داشته باشد؛ زیرا در سوره جن هم آمده است که جنیان پلید پس از نزول قرآن و بسط اسلام، قدرت نفوذ خود را در کائنات به شدت از دست دادند.^۳ پس، نماد بز شاخدار بالدار که

۱. کهف، ۵۰.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۹.

۳. جن، ۷ تا ۱۰.



بال و شاخ او نمونه قدرت و حرکت در کائنات است، دیگر پس از هبوط و رانده شدن از محضر باری تعالی معنایی ندارد و نمادی کاملاً مغالطه آمیز است. آشکار است که شیطان بر بندگان خاص الاهی هیچ تسلطی ندارد.

۳. از جانبی دیگر، نیز در انجیلِ مرقس آمده است که حضرت عیسی علیه السلام با بعثت و پیامبری اش، اقلیم قدرت شیطان را برهم ریخته است: «شیطان نیز اگر ضدّ خود قیام کند و تجزیه شود، ممکن نیست دوام آورد؛ بلکه پایانش فرا رسیده است. به واقع، هیچ کس نمی تواند به خانه مردی نیرومند درآید و اموالش را غارت کند؛ مگر آنکه نخست آن مرد را ببندد. پس از آن، می تواند خانه را غارت کند.»^۱ در این فراز از انجیل، مردِ زورآور به شیطان تفسیر شده است و به خانه درآمدن، همان مقابله حضرت عیسی علیه السلام با شیطان است. نیز، غارت اموال به مثابه

۱. انجیل مرقس، باب سوم، آیه بیست و هفت.



آزادی کسانی است که بردهٔ شیطان اند و غارت خانه عبارت است از ظهور قدرت ملکوت حضرت عیسی علیه السلام درمقابل شیطان.^۱ با این تفسیرِ مشخص، کاملاً روشن است که با پیامبری حضرت عیسی علیه السلام و برقراری ملکوت خدا، حرکت دوارِ وسوسه‌انگیز شیطان، به نقص و کمبود گراییده است و به‌همین واسطه است که شیطان پرستان تلاش می‌کنند با به‌سخره‌گرفتن پیامبری این پیامبر زنده و تقدس حضرت مریم علیها السلام، تأثیر نبوت حضرت عیسی علیه السلام را در جهان کم‌مایه نشان دهند؛ اما می‌دانیم که با نبوت کامل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم این تأثیر به بالاترین و برترین وجه تجلی یافت و رانده‌شدن شیطان، ابدی شد.

۴. در بسیاری از آموزه‌های غلط شیطان پرستان، روش‌های روان‌پریشی و روان‌نژندی، مثل خوردن خون که عین نجاست است و آشامیدن مشروب که عین حرمت است و آزار انسان‌های

۱. بهرام محمدیان و دیگران، دایرة المعارف کتاب مقدس، تهران: سرخدار، ۱۳۸۱، ص ۵۹۱.



معتقد که عین ظلم است، دیده می‌شود. این تعالیم منحرفانه، آزادی ارادهٔ آدمی را مختل می‌کند و نفس مادون و حیوانی انسان را زنده می‌سازد. در روان‌شناسی دینی، ماهیت خود برتر انسان در مبارزه با شرور معنا پیدا می‌کند و تجربه‌های درست انسانی مسیری می‌شود برای نزدیکی روانی انسان به حقیقت غایی.^۱ به‌همین دلیل است که بسیاری از شیطان‌پرستان با غفلت کامل از حالات معنوی انسانی خود و با به‌فراموشی سپردن توانایی‌های الهی انسان، به خودکشی و دیگرکشی یا خودآزاری و دیگرآزاری روی می‌آورند؛ چراکه با باور به تعالیم دیوسیرتانهٔ ابلیس، نفس را افسارگسیخته رها می‌کنند تا موجب جنایات پلید شود.

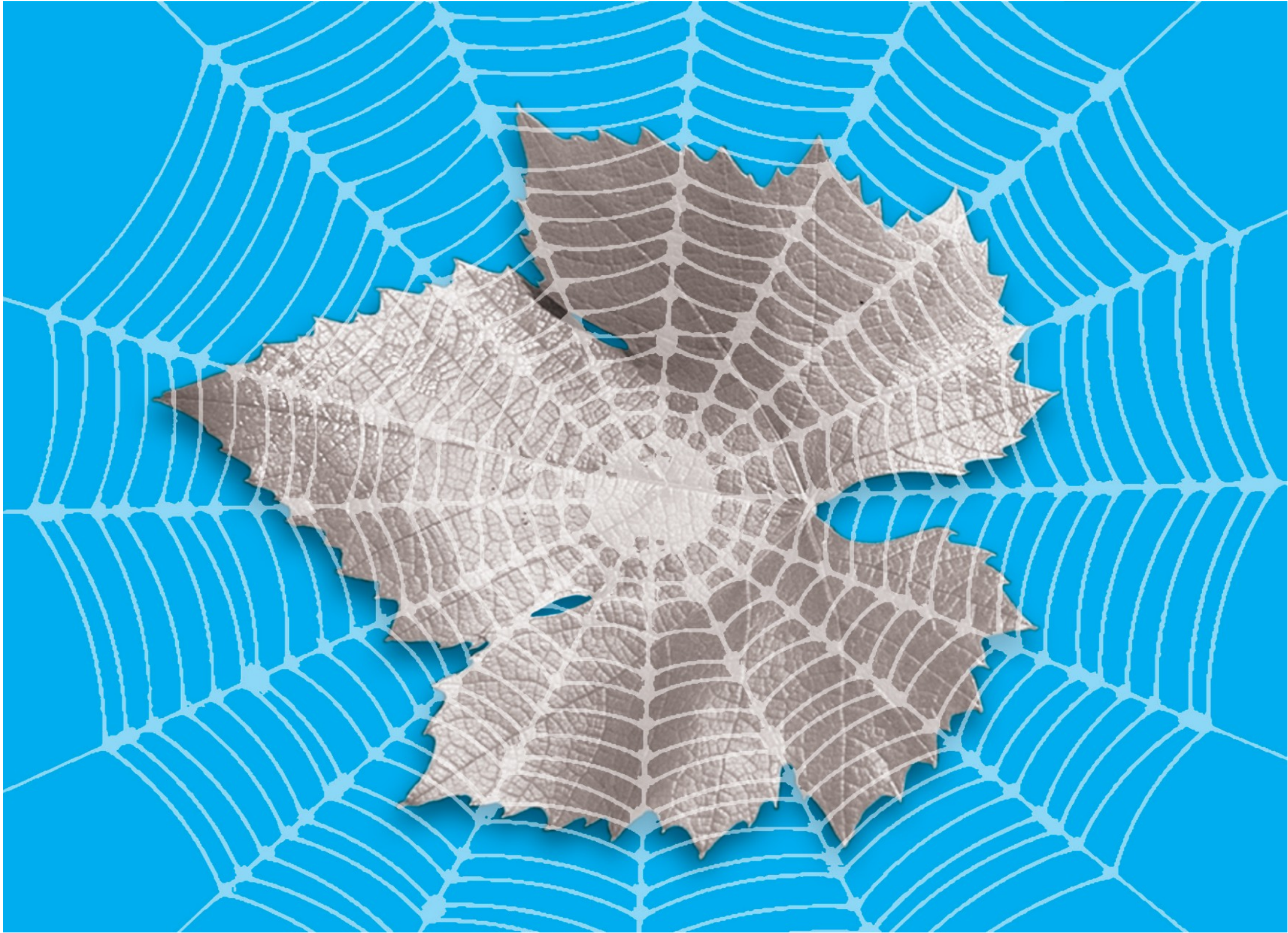
این مسئله در حالی است که تغییرات آشکار در خودپنداری‌های ناشی از اکتساب اعتقادات معنوی و دینی، منافع روانی و جسمانی فراوانی را به‌وجود می‌آورد که کاملاً سنجش‌پذیر است؛ برای مثال، کسانی که از طریقه‌های دینی و معنوی پیروی می‌کنند، بسیار کمتر از غیرمؤمنان

۱. دیوید فونتانا، روان‌شناسی دین و معنویت، ترجمهٔ الف. ساوار، قم: ادیان، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲.



به سیگار و الکل و داروهای زیان‌آورِ دیگر روی می‌آورند و به پُرخوری و زیاده‌روی‌های جسمانی کمتر تمایل دارند. آنان بیشتر خواهان این‌اند که وقت خود را به لذت‌بردن از طبیعت و ورزش جسمانی سپری کنند، توان بیشتری برای مواجهه با تنش‌های زندگی دارند، از ارتباط هم‌هنگ‌تر با خانواده و دوستان لذت می‌برند، حرفه‌های کمتر خطرناک و هیجان‌آمیز را انتخاب می‌کنند، از رنج‌بردن یا وارد شدن به خشونت‌های خانوادگی پرهیز می‌کنند، از درگیری گریزان‌اند و ناکامی‌های مادی را دلیلی برای سرزنش خود نمی‌دانند. آری، دین عموماً مردم را تشویق می‌کند که از خود و دیگران بهتر مراقبت کنند.^۱

هر عقل سلیم و آگاهی، به راحتی تفاوت فاحش باور به اعتقادات غلط شیطان‌گرایی و زیستن در فضای امن دینی را می‌فهمد و این دلیل به‌تنهایی کافی است تا انسان، مسیر صحیح خویش را درست پی بگیرد؛ زیرا آرامش از آن خداوند است و از خزانه رحمت او چونان باران، بی‌حساب





نازل می شود. البته به مصداق آیه شریف قرآن که می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (= اوست که آرامش را بر قلبهای راست‌دینان فرو می‌فرستد) شرط آن ایمان است.

۵. شادابی باید از مسیر امیدواری و مثبت‌گرایی به وجود بیاید، نه با گناه و رذالت‌های اخلاقی؛ چراکه شادمانی حقیقی، حرکت در مسیر پنداره‌های ارجمند معنوی است و در بندگی تحقق می‌یابد. مسرت روانی با ابتهاج معنایی ارتباط مستقیم دارد و اهل ایمان و عرفان همیشه راضی به رضای الهی هستند و به این رضایت، شادمان زندگی می‌کنند؛ در حالی که هوس و گناه همراه با تحریک روانی و مصرف موادمخدر و داروهای روان‌گردان است و نتیجه آن زیرپانهادن ارزش‌های اخلاقی و انسانی است که پندار شادمانی را توهم‌وار ایجاد می‌کند و از شادمانی حقیقی در آن خبری نیست.



۶. باورهای دینی انسان را به سمت از بین بردن خصلت‌های حیوانی و ایجاد صفت‌های الهی و ربّانی سوق می‌دهد. در روایات آمده است: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» (= به سمت خلق و خوی الهی حرکت کنید). این در حالی است که شیطان گرایی، پیرو خود را به صفت‌های دیگری سوق می‌دهد: لذت پرستی، نفس پرستی، تقدم ظواهر بر باطن زندگی، اولویت دادن به ثروت در برابر غفلت از حکمت، استثمار عواطف انسانی با تحریک‌های زودگذر احساسی، بی‌هدفی و بی‌معیاری در باب معنای زندگی و القای ناتوانی در کاستن از درد و رنج ناشی از زندگی. این فرقه، انسان را نه تنها با حیوانات برابر می‌داند، بلکه گاهی می‌کوشد جایگاه انسان را به پایین‌تر و کمتر از حیوانات نیز تنزل دهد و معنای «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» را کاملاً فراموش کند.

۷. یکی از کارکردهای اصلی فقه که همان قوانین الهی و بدون تغییر در شریعت است، رعایت حلال و حرام می‌باشد. اخلاق و آداب پسندیده به واسطه رعایت حلال و حرام الهی در



جامعه نهادینه می‌شود و مسیر تکامل را پی می‌گیرد. اما شیطان پرستی تلاش می‌کند نوعی شریعت‌گریزی و قانون‌شکنی را در ذهن و زبان جوانان نهادینه کند. در یکی از تعالیم معروف کتاب شعائر شیطانی آمده است:

Thou what thou wilt shall be the whole of the law

(= هر آنچه میل و رغبت توانست، آن را انجام ده؛ چراکه همان شریعت و قانون خواهد بود).^۱

مبرهن است که افکار شیطانی در قالب شیطان پرستی تلاش می‌کند با استفاده از تمایل مفرط خوی آدمی به لذت‌جویی و با بهره‌گیری از عواطف بشری، شریعت مبتنی بر عقلانیت را رد کند و از بی‌تکلیفی و رعایت نکردن حلال و حرام و دست کشیدن از ریاضت در برابر وساوس شیطانی دم زند و رواج نمادها و نموده‌های اباحی‌گری را موجب شود و بستر فرهنگ ضدیت با ارزش‌های انسانی اسلامی را به وجود آورد؛ زیرا اگر این گونه شود، خون‌خواری و خون‌ریزی

1. David gibbons, faith and religions of the word, wor the press, 2007, p.18

و سنگدلی و آزار و خودزنی و خشونت جنسی و حتی خودکشی و دیگرکشی، مبنایی برای عمل پیدا می‌کند. ویلیام گاردنر، یکی از نویسندگان معروف غربی، در کتاب خود دربارهٔ زیرپا گذاشتن اصول اخلاقی و ارزش‌ها در میان شیطان‌پرستان می‌نویسد: «هفتاد درصدِ مأموران تحقیق اُنتاریو به جوانان خلافکاری برخورد کرده‌اند که علایق شدید شیطان‌پرستی دارند.» رابرت تاکر، کارشناس، اظهار کرده است که این جریان در تمام کانادا و امریکا در حال افزایش است. وی می‌گوید که در فلسفهٔ شیطان‌پرستی، قتل، خودکشی، مُثله‌کردن و تجاوز، همراه با رفتارهای مشمئزکننده و شرم‌آور، تقدیس می‌شود. گروه‌های موسیقی، آشکارا دعوت به قتل و خوردن خون و... می‌کنند. جیمز توبین، جوان ۱۸ ساله‌ای که پرستاری ۲۱ ساله به‌نام کریستینا از میدلندِ اُنتاریو را کشت، به‌طور مستقیم درگیر شیطان‌پرستی بود. سه پسر ۱۴ ساله‌ای که در ایالت آلبرتای کانادا در خانه‌ای به‌دار آویخته شده بودند نیز قربانی شیطان‌پرستی شدند. روی



بدن برهنه یکی از آنان با خون نوشته شده بود: زندگی کردن مردن است.^۱

۸. شمن‌گرایی مدرن، همراه با جادوگری در فضایی کاملاً موهوم و خرافی، با بهره‌گیری از تبلیغات گسترده شبکه‌های ماهواره‌ای و پشتیبانی گروه‌های معروف و حرفه‌ای موسیقی، به موازات گسترش ادبیات داستانی جادوپردازانه در رمان‌های مختلف، موجب شده است که امروزه، شاهد نوعی عضویت جدید در شیطان‌پرستی باشیم.

شمن‌هایی که در ادیان ابتدایی وجود داشتند، کسانی بودند که آیین‌هایی را برای ارتباط با جهان ارواح برگزار کرده و در حالت وجد، به قلمروی ارواح سفر می‌کردند و در مقام شفابخشی یا پیش‌بینی امور، از عالم ارواح بهره می‌گرفتند و تجربه سفر به شکل پروانه یا تسخیر شدن توسط ارواح را می‌چشیدند. گزارش‌های قوم‌نگارانه، این رفتارها را متعلق به محلی خاص

۱. حمید نگارش، کژراهه شیطان‌پرستی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵.



می‌دانست و با حقانیت اساسی آن‌ها نیز کار نداشت؛ چراکه در ادیان ابتدایی، اساساً خرافات محوریت باور را تشکیل می‌داد.

اما امروزه، شمن‌گرایی جدید تلاش می‌کند هم حقانیتی به رفتار خود بدهد و هم از طریق ارتباط گرفتن با موجودات فراطبیعی، نظیر جن یا حتی ارتباط با عالم ارواح، قدرت‌های تسخیرگرایانه مجازی را در مخاطب خود القا کند که کم‌کم مخاطب خود را مسخ می‌کند. چنین حالتی را دقیقاً در شیطان‌پرستی و آموزه‌های وهم‌انگیز آن می‌توان جست‌وجو کرد؛ چراکه خودِ آن‌توان لوی از این ابزار و روش خلسه‌آمیز برای تحت‌تأثیر قرار دادن مخاطب خویش، در کلیسای شیطان، بهره می‌برده و تلاش می‌کرده است با به‌هم‌ریختن حس جسمانی افراد در شعائر شیطانی و بزرگ‌نمایی مناسک جادویی، حالات تغییر یافته روانی را به‌گونه‌ای در فرد ایجاد کند که اعمال جنون‌آمیز از وی سر بزند و هیچ مبنای عقلانی و دینی، دیگر در او کارساز نباشد.



این نوع از رفتارهای جادوگرانه البته در بسیاری از رمان‌های دوران معاصر نیز یافت می‌شود که شاید به‌طور مستقیم به شیطان‌پرستی اشاره نداشته باشد، اما مقوم و مؤید آن است. برای نمونه، برخی رمان‌های پائولو کوئیلو به جادو و تأثیر آن در زندگی بسیار اهمیت می‌دهد و رمان‌های چندگانه هری پاتر براساس آموزش جادو، جادودرمانگری، زندگی بر پایه‌های جادوگرایانه و تفسیر حوادث و وقایع عالم براساس جادو بنیان نهاده شده است. این همه، درحالی است در متن دین و عقاید اسلامی، دوری از هرگونه رفتارهای خرافی و وهم‌انگیز و پرهیز از رابطه با جنیان و احضار ارواح توصیه شده است و حتی بسیاری از علمای متقدم اسلامی، بهره‌گیری از افسون‌ها و القای آن‌ها به دیگران را حرام دانسته‌اند.^۱

به هر جهت دلایل بسیار دیگری نیز می‌توان در ردّ منطقی و عقلانی شیطان‌پرستی اقامه کرد؛ اما با توجه به کوتاهی مقال، به همین میزان اکتفا می‌کنیم. آنچه بر آفتاب افکنده

۱. ابراهیم موسی‌پور، دوازده + یک: سیزده پژوهش دربارهٔ طلسم، تعویذ و جادو، تهران: کتاب مرجع، ۱۳۸۷، ص ۷۷.



شده است آن است که دین‌گریزی، رواج فرهنگ ضدیت با ارزش‌های انسانی، شیوع فساد و اعتیاد، ترویج پوچ‌گرایی، خشونت و هیجانات سرکش همراه با گستراندن سفره‌اندیشه‌های اومانیستی و سکولاریتی غربی و القای باورهای کاذب شبه‌دینی در قالب هنر، اعم از سینما، تئاتر، موسیقی، رمان و...، خطر بالقوه‌ای است که باید به آن عطف توجه جدی کنیم تا هیچ‌گاه شاهد بالفعل شدن آن نباشیم.

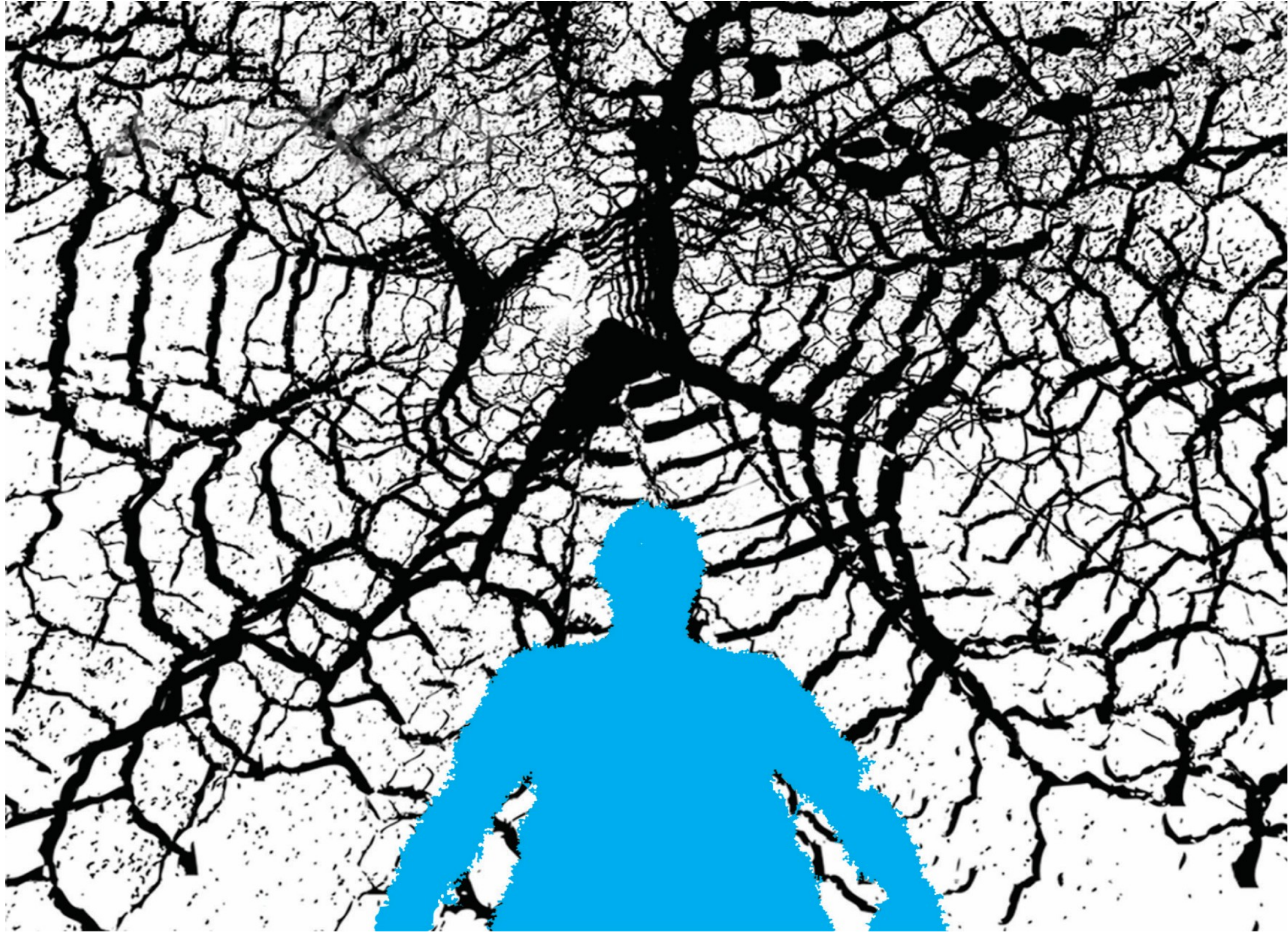


راهکارهای مقابله و مصون سازی

۱. شناخت شناسی

شناخت شناسی دشمن و موقعیت جغرافیایی او از اهمّ واجبات درزمینه مقابله و مصون سازی است. به تعبیر حضرت امام علیه السلام: «اگر دشمن را نشناسید، نمی توانید دفعش کنید. ما باید در کارهایی که دشمنان ما می کنند دقت کنیم و تحلیل نماییم ببینیم آنها به چه چیز، زیاد اهمیت می دهند. ما از گفتار و کردار آنها باید کشف کنیم اینها چه می خواهند و ما باید چه بکنیم... هر راهی که انتخاب کردند، ما باید راه مقابله را انتخاب کنیم.»^۱ متأسفانه، در حوزه مکاتب نوپدید دینی و عرفانهای جدید و مدرن، آگاهی جامعه بسیار اندک است. پرداختن به مسئله شیطان گرایی، برای اولین بار، با پخش فیلم مستند شوک از شبکه سوم

۱. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۹۶ و ج ۱۵، ص ۲۷۷.





سیمای جمهوری اسلامی آغاز شد.^۱ آمارهای پس از آن، نشان داد که جامعه از این موضوع بسیار ناآگاه است. بسیاری خانواده‌ها حتی نمی‌دانستند بسیاری از نمادهایی که فرزندان آنان استفاده می‌کنند، ناظر به شیطان پرستی است. این امر نشان‌دهنده نیاز وافر جامعه به آگاهی بیشتر در این زمینه است.

این هجمه، البته از تهاجم فرهنگی آغاز شد و به تعبیر مقام معظم رهبری، امروز به ناتوی فرهنگی و جنگ نرم رسیده است. ایشان می‌فرمایند: «در حال حاضر، یک جبهه عظیم فرهنگی که با سیاست، صنعت، پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مانند سیلی راه افتاده است تا با ما بجنگد. جنگ نظامی نیست...^۲ این‌ها دارند شبیخون فرهنگی می‌زنند. این راست است و خدا می‌داند که راست است. بعضی نمی‌فهمند؛ یعنی صحنه را نمی‌بینند. حالا دشمن دارد

۱. این فیلم بخشی از فعالیت دوره دکترای نویسنده این کتابچه است که در پاییز ۱۳۸۷ چندین بار از شبکه سه سیمای پخش شد و با اظهار رضایت خانواده‌ها و عصبانیت گروه‌های موسیقی زیرزمینی و شیطان‌گرایان داخلی و خارجی مواجه شد.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۸/۷.



از جوان‌های ما انتقامش را می‌گیرد. انتقامش چیست؟ انتقام او این است که جوان‌های ما را به لذات و شهوات سرگرم کند.^۱ آشکارا، یکی از مصادیق جنگ نرم، سست کردن بنیان‌های اعتقادی جوانان و ایجاد بی‌اعتمادی به تاریخ قدسی پیامبران و تعالیم بزرگ اسلامی است. به‌همین جهت است که امروزه، قرارداد موجودی به‌نام شیطان در کنار خداوند و پرستش او، بین اندکی از جوانان، امری دور از ذهن یا بعید به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا بنیادهای اعتقادی آنان کم‌کم رو به‌سستی نهاده است.

از ویژگی‌های جنگ نرم می‌توان به این امور اشاره کرد: ۱. جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است؛ ۲. این نبرد، آرام و تدریجی و زیرسطحی است؛ ۳. جنگ نرم به‌شدت نمادساز است؛ ۴. به‌لحاظ اثرگذاری، در طول زمان، پایدار و بادوام است؛ ۵. در فضای جامعه هیجان‌های کاذب ایجاد می‌کند؛ ۶. جنگ نرم آسیب‌محور است و آسیب‌های

۱. بیانات معظم‌له، ۱۳۷۵/۲/۱۵.



اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فراوانی ایجاد می‌کند؛ ۷. از نظر ابعاد، چندوجهی است و از تمامی علوم، فنون، شیوه‌ها و روش‌های شناخته‌شده، در آن استفاده می‌شود؛ ۸. جنگ نرم تضادآفرین است و با ایجاد گسل‌های متعدد در بخش‌های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها، ارزش‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای جدید، اعضای جامعه را در برابر هم قرار می‌دهد؛ ۹. این نبرد، تردیدآفرین است و در میان آحاد جامعه، تردید و ناامیدی و یأس از بسیاری مسائل و اصول اصلی ایجاد می‌کند.^۱

با این اوصاف، به‌سادگی می‌توان جریان نهفته و مرموز عرفان‌های جدید و کاذب را که در پی ایجاد تغییرات عمیق و همه‌جانبه در باورها و رفتار جوانان هستند، از مصادیق مستقیم جنگ نرم به حساب آورد و یکی از نمونه‌های جدی و بسیار خطرناک آن، شیطان‌پرستی است.

۱. داود رنجبران، جنگ نرم، ساحل اندیشه تهران، ۱۳۸۸، ص ۳۰ تا ۳۳.



۲. شناساندن اسلام و تبلیغ عملی دین

در برابر این هجوم بی وقفه، بازگشتن به تعالیم حقیقی دینی و توسعه و عمق بخشی به آموزه های فقهی فلسفی اسلامی در جامعه، آن هم با زبانی ساده و دور از تکلف و به روش های کاملاً جدید و متفاوت از روش های سنتی، می تواند ضریب نفوذ تبلیغ عملی دین را در جامعه و میان جوانان بسیار بالا ببرد. جامعیتی که در اسلام است، این امکان را فراهم می آورد که در تمام زمان ها و مکان ها، دفاع به روز از آموزه های دینی مطابق با وضعیت زمان و مکان انجام پذیرد؛ زیرا به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری: «اسلام مکتبی است که در تمامی شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد.»^۱ بیان و تبلیغ دین و آموزه های دینی در قالب ها و زبان جدید، حتماً باید با اصول زیر همراه باشد: مهرورزی، سازش، الفت، درک متقابل، احترام همراه با نقد عقاید طرف مقابل، همراهی

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۷۳.



و همدلی به جای تقابل و بدگمانی و تلاش برای برطرف کردن مشکلات فکری و عقیدتی. اگر تبلیغ دین به این ابزار مجهز باشد، می‌تواند در بوران روش‌های تبلیغی و گاهی شبه‌مهربانانه جدید که از طرف هواداران، شبکه‌های ماهواره‌ای و گروه‌های پنهان انجام می‌پذیرد، مفید و مؤثر قرار گیرد.

۳. آشنایی جوانان با عرفان اسلامی

عرفان، شناسایی حق تعالی از دریچه شناخت عاشقانه و شهودی است و ابزاری است برای زیستن براساس تجلی صفات و اسمای خداوند در هستی و درک حضور متداوم پروردگار در تمامی لحظات زندگی و همراهی با کائنات در تسبیح الهی. همه کائنات با زبانی رمزی و عاشقانه به تسبیح الاهی مشغول‌اند. در عرفان اسلامی، خداوند، معشوق محتشمی است که در قلب‌های شکسته می‌نشیند و سخن آدمی را در دوردست‌ترین مکان‌ها، نزدیک می‌شنود: او از



ما به ما نزدیک‌تر است:

در دو چشم من نشین ای آن که از من، من‌تری تا صنم را وا نمایم کز صنم افزون‌تری
اما عرفان اسلامی فقط کارکرد فردی و درونی ندارد؛ بلکه دارای کارکردی کاملاً جهانی و
اجتماعی است؛ یعنی در درک همه‌جانبه دین‌داری، در هماهنگی با شریعت و در کامل‌ساختن
بنیادهای اخلاقی جامعه، تأثیرگذار است. این از آن روست که در مسیر عرفان اسلامی، انسان
باید آن‌چنان حرکت کند که از ظاهر تا باطنش رنگ زیبای الهی به‌خود بگیرد و از رفتار تا
نیتش خیرخواهی برای خود و دیگران متجلی باشد. عرفان اسلامی همیشه به نقش‌شناخت
عمیق آدمی و انتخاب و آزادی او برای برگرفتن بهترین مهارت برای زندگی فردی و اجتماعی
تأکید کرده و آزادی انسان را از بند همه وسوسه‌ها توصیه می‌کند.

عرفان اسلامی در پی افزون‌سازی همت انسان مؤمن است و ندا در می‌دهد:

تو حجم بسته رازی، اگر درست بگویم تو ارتفاع نمازی، اگر درست بگویم



به همین جهت است که عارفانه زندگی کردنِ مؤمن نه تنها با اجتماعی بودن او تناقضی ندارد، بلکه او را تبدیل به منبع نورانیّتی می کند که موجب پاکی جامعه می شود.

نکته حائز اهمیت این است که تغییر زبانِ دشوار متون عرفانی به زبان ساده و همه فهم برای جوانان و تبیین مدل سلوکِ درست براساس سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مطابق با نیازهای امروز جوانان، امری ضروری است که باید در این راهکارها بدان توجه کرد.



سخن آخر

قرآن از بیان پیامبر خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أَنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (= بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد).^۱ کلید نجات در پیروی آگاهانه و عقلانی و عمیق از تعالیم پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است که به منبع عظیم وحی متصل‌اند و آرامش را آن‌چنان که مورد نیاز فرد و خانواده و جامعه است، به ما هدیه می‌کنند. این هنر ماست که چگونه از این سفره پُر نعمت برای نجات خود و دیگران و بهره‌مندی از خیر دنیا و آخرت استفاده کنیم تا نه تنها جوانان ما به معضلاتی نظیر شیطان‌گرایی دچار نشوند، بلکه در دین‌داری اصیل خود، توفیقات

۱. آل عمران، ۳۱.



فردی و اجتماعی و عقیدتی و عاطفی بیشتری کسب کنند.
... راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدهش



برای مطالعه بیشتر

۱. آفتاب و سایه‌ها محمد تقی فعالی، قم: نجم الهدی.
۲. گزاهه شیطان پرستی، حمید نگارش، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم: زمزم هدایت.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.